سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۸۱۷ ■ چهارشنبه ■ ۱۵ دی ۱۴۰۰ ■ ۲ جمادی الثانی ۱۴۴۳ ■ 5 Jan. 2022

ایران جهان

گفت‌وگوی «ایران» با «حسین اکبری» کارشناس محور مقاومت درباره تحولات مربوط به جنگ عربستان و یمن در سال ۲۰۲۱

گردابی که عربستان را درمانده کرد

صفحه ۱۸

خالد قدومی، نماینده جنبش مقاومت مردمی فلسطین (حماس) در ایران

۲۰۲۱، بیداری کرانه باختری

صفحه ۱۸

۲۰۲۱
سال فرار بزرگ

امریکا در پی خروج ناکام از افغانستان به حضور نظامی خود در عراق نیز پایان بخشید

نگاهی به کارنامه یک ساله سیاست خارجی بایدن
گفت و گو با علی نوری پور، تحلیلگر مسائل امریکا

بایدن در مسیر ترامپ

صفحه ۲۰

نگاهی به تحولات اسرائیل درسال ۲۰۲۱ در گفت وگو با «محسن فائضی»، کارشناس و تحلیلگر مسائل فلسطین

دولت بنت دوام چندانی ندارد

صفحه ۱۹

قیام علیه ساختار

سالار نامداروندایی/کارشناس حوزه امریکا

صفحه ۲۰

باکو-ایروان تلاش برای صلح

محسن پاک آیین/ سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان

صفحه ۱۹

لبنان عبور از مشکلات با نگاه به آینده

سید رضا صدرالحسینی/ کارشناس مسائل خاورمیانه

صفحه ۱۸

اردوغان ۲۰۲۲ دیگر اردوغان ۲۰۰۲ نیست

صادق ملکی/ کارشناس ترکیه

صفحه ۱۹

یادداشت

مقاومت، رمز خروج نظامیان امریکا از خاورمیانه

بنفشه غلامی
دبیر گروه جهان

سال ۲۰۲۱ که اینک نزدیک به یک هفته از پایان آن می‌گذرد، در کنار تمام اتفاق‌ها و رویدادهای کوچک و بزرگی که در آن رخ داد، سال یکی از مهم‌ترین رویدادهای جهان در دو دهه اخیر بود: خروج نظامیان امریکا از خاورمیانه و به عبارت بهتر، فرار آنها از گرداب جنگ‌های فرسایشی با مقاومت‌های مردمی.

امریکا در سالی که گذشت، بعد از دو دهه جنگ بی امان با آنچه تروریسم می‌نامید، به این باور رسید که حضورش در افغانستان نه فقط جز هزینه دستاوردی برایش نخواهد داشت،بلکه اعتبار نظامی که تاکنون برایش متصور می‌بود را نیز از دست خواهد داد. بنابراین بدون دستاورد خاصی افغانستان را ترک گفت. در همین مقیاس بود که شاهد عقب‌نشینی امریکا در عراق از موضع نظامی به موضع مستشاری بودیم و نیروهای آنان در سوریه نیز دیگر با توان سابق ظاهر نشده‌اند.

بی تردید بر کسی پوشیده نیست که امریکا ۲ دهه قبل به خاورمیانه لشکرکشی کرد تا بتواند در این میدان استراتژیک، گوی سبقت را از رقبای خود ربوده، به بهانه نبرد با تروریسم، تروریسم را در قالب گروه‌های تکفیری که از دل القاعده زاده شدند و همچنین گروه تکفیری داعش، در خاورمیانه را منتشر سازند تا به این ترتیب به نبرد با گروه‌های مقاومتی بروند که قدرت گرفتن آنها به معنای خطر برای تل آویو و واشنگتن خواهد بود. در کنار اینها منابع غنی زیرزمینی خاورمیانه نیز برای واشنگتن وسوسه کننده نشان می‌داد. اکنون دو دهه از ورود نظامی امریکا به خاورمیانه می‌گذرد. در این دو دهه نه منابع غنی زیرزمینی خاورمیانه اهمیت خود را از دست داده اند و نه موقعیت ژئوپلیتیک آن دگرگونی خاصی را متحمل شده است. آنچه در این سال‌ها تغییر کرده است، قدرت گیری مقاومت در خاورمیانه بوده است. امروز حزب الله با وجود همه هجمه‌ها، قوی تر از هر زمان است، در یمن انصارالله و نیروهای مقاومت مردمی پرتوان به مبارزه خود با عربستان ادامه می‌دهند و با موشک‌ها و پهپادهای خود، توانایی نظامی خود را به رخ می‌کشند، در عراق نیروهای وابسته به حشد الشعبی امنیت و آرامش را برای این کشور به ارمغان آورده‌اند و در سوریه، بشار اسد، بر تمامی فشارها غلبه کرده و کنترل سراسر کشور خود را به دست گرفته است. مقاومت فلسطین نیز درست در کنار گوش تل آویو، عرصه را برای رژیم صهیونیستی تنگ کرده است.

در این خاورمیانه با قدرت نظامی موجود مقاومت در آن دیگر چیزی عاید امریکا نخواهد شد جز هزینه‌های بیشتر و مداوم. از همین رو، مهم‌ترین متغیر در خروج نظامیان امریکا از خاورمیانه را باید در عامل کلیدی افزایش مقاومت مردمی جست و جو کرد.

حسن کاظمی قمی نماینده ویژه رئیس جمهور در امور افغانستان سیاست تهران در قبال کابل را تشریح کرد

طالبان از منظر ایران

عبدالرحمن فتح اللهی- سال ۲۰۲۱، سالی کم سابقه و حتی می‌توان گفت بی‌سابقه در تاریخ تحولات افغانستان به شمار می‌رود. سرانجام پس از ۲۰ سال شاهد خروج دستپاچه نیروهای نظامی امریکا از افغانستان، فرار اشرف غنی، رئیس جمهور، سقوط دولت و سقوط کابل پایتخت افغانستان و در نهایت احیای حکومت طالبان بودیم. سرعت و شدت این تحولات در بازه زمانی کمتر از یک ماه بین نوامبر تا سپتامبر سال گذشته به قدری بالا بود که عملاً قدرت تحلیل از کارشناسان، ناظران امر، رسانه‌ها و حتی بسیاری از مقامات کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درخصوص تحولات افغانستان گرفته شد. پیرو این نکته «ایران» در گفت و گویی با «حسن کاظمی قمی»، دستیار و نماینده ویژه رئیس جمهور در امور افغانستان، به بررسی تحولات این کشور در سالی که گذشت پرداخته است که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

■ سال ۲۰۲۱ به دلیل سه کلان رویداد شامل خروج شتاب زده نیروهای نظامی امریکا، فرار اشرف غنی و سقوط کابل و در نهایت احیای حکومت طالبان، اگر نگوییم سال بی‌سابقه‌ای در تاریخ افغانستان به شمار می‌رود، یقیناً می‌توان آن را سال کم سابقه‌ای دانست. حال از منظر این سه کلان رویداد مذکور ارزیابی کلی حضرتعالی در خصوص تحولات این کشور در سالی که گذشت، چیست؟

اگر نگاهی به رویدادها و تحولات افغانستان داشته باشیم، می‌بینیم مشابه رخدادی که در سال ۲۰۲۱ در افغانستان رخ داد، پیش‌تر هم در تاریخ این کشور تکرار شده بود. افغانستان در طول تاریخ خود دو بار مورد تجاوز قرار گرفت، زمانی این متجاوز اردوگاه شرق با ایدئولوژی کمونیسم بود و طی ۲۰ سال اخیر هم اردوگاه غرب با محوریت امریکا که مدعی فرهنگ لیبرال - دموکراسی است، دست به تجاوز به خاک افغانستان زد. در مورد اول، ارتش سرخ که ادعای مدیریت دنیا را داشت، با تمام عظمت و قدرت خود بعد از شکست مفتضحانه‌ای که در برابر اراده و قدرت مردم افغانستان داشت، مجبور به فرار شد؛ سال ۲۰۲۱ تاریخ تکرار و ارتش امریکا هم متحمل شکست سختی از مردم افغانستان شد. این بدان مفهوم است که اراده ملت‌ها متکی به ایمان خدا فراتر از هر قدرت مادی بشری است. علاوه بر این تحولات سال ۲۰۲۱ افغانستان متأثر از تحولات چهار دهه اخیر آن است، اما اشغالگر که این بار امریکایی‌ها بودند، از تجربه ارتش سرخ درس نگرفتند و با اینکه دیدند ارتش شوروی چگونه مجبور به فرار شد، دست به حمله به افغانستان زدند. البته امریکایی‌ها در یکی دو دهه اخیر مشابه همین مشکل را در عراق نیز داشتند؛ امریکایی که سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق حمله کرد، در نهایت مجبور شد در سال ۲۰۱۱ با اینکه ۱۶۰ هزار نیروی نظامی داشت و همه عراق در اشغال امریکا بود، شبانه از این کشور فرار کند. این از جمله تجربه‌هایی است که متأسفانه امریکایی‌ها نیاموختند.

■ افغانستان از نظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک به دلیل همسایگی با جمهوری اسلامی ایران، پاکستان و بویژه چین در منطقه‌ای بسیار مهم و ویژه قرار دارد. آیا امریکا بعد از خروج نیروهای نظامی خود از افغانستان به دنبال ناامن سازی، ایجاد شرایط بی ثبات کننده و جنگ‌های نیابتی با استفاده از ظرفیت گروه‌هایی مانند داعش، طالبان و... علیه همسایگان افغانستان و بویژه چین است؟

بله. نکته مهمی که در سایه این اتفاقات باید به آن اشاره کرد، این است که امریکا با اینکه از افغانستان فرار کرد اما حوادث جاری نشان می‌دهد در یک حالت دورایستایی به دنبال شرارت در این کشور است. در واقع آنها بعد از ناکامی از حضور نظامی در افغانستان در حال حرکت به سمت یک جنگ نیابتی هستند. پیدایش داعش و اینکه روز به روز بر حجم توان و فعالیت، ساختار و جغرافیای آنها افزوده می‌شود، ناشی از آن است که همچنان افغانستان برای امریکایی‌ها اهمیت دارد. ضمن اینکه امریکایی‌ها همواره تلاش کرده‌اند و تلاش می‌کنند از جغرافیای افغانستان علیه دولت‌ها و نظام‌هایی که از نگاه امریکایی‌ها در تخاصم و رقابتند مانند چین و جمهوری اسلامی ایران وارد عمل شوند. یکی از این اقدامات، تلاش برای ناامن سازی منطقه است. به عبارتی بی ثبات سازی و گسترش تروریسم، استراتژی محوری امریکایی‌ها در افغانستان است. از نگاه رئیس جمهور امریکا همان طور که خود او عنوان کرده است، بزرگترین تهدید امروز برای امریکایی‌ها، چین است. چین از نظر اقتصادی در حال تبدیل شدن به ابرقدرت و قدرت اول جهان است. بنابراین امریکا اگر بتواند از خاک افغانستان و با استفاده از گروه‌های تروریستی، ضرباتی را متوجه چین بکند، به هدف خود برای ضربه زدن به چین خواهد رسید، خصوصاً که نباید فراموش کرد ۹۰ درصد واردات انرژی چین از آسیای مرکزی از منطقه سین کیانگ می‌گذرد که در همسایگی افغانستان است. لذا اگر پدیده داعش بتواند این منطقه مهم را ناامن کند، می‌تواند ضربه جدی به اقتصاد چین بزند. مشابه آن درخصوص روسیه و جمهوری اسلامی ایران هم وجود دارد. از این جهت امریکایی‌ها اگرچه از افغانستان خارج شدند، اما دست از شرارت برنمی‌دارند و سعی می‌کنند جنگ نیابتی را جایگزین لشکرکشی نظامی و اشغالگری در افغانستان بکنند.

■ دیالکتیک سیاسی و امنیتی طالبان با دیگر گروه‌های حاضر در افغانستان چگونه است؟

من معتقدم یکسان‌سازی طالبان با گروه‌های تروریستی داعش درست نیست. واقعیت این است که بین طالبان و داعش خراسان یک تخاصم جدی وجود دارد. چون داعش تلاش دارد حکومت طالبان را به اسقاط بکشاند و این درچهارچوب همان سیاست‌هایی است که امریکایی‌ها به‌دنبال تحقق آن هستند. ورود داعش به خاک و جغرافیای افغانستان تلاشی برای ناامن‌سازی این کشور است که بخشی از آن به تحولات داخلی افغانستان باز می‌گردد.

■ آیا طالبان توان مدیریت امنیت بر کل خاک افغانستان و جغرافیای این کشور را با توجه به تنوع، تکثر، تعدد و تضاد گروه‌های دیگر را خواهد داشت؟

واقعاً اینکه طالبان توان مدیریت امور افغانستان و بحران‌هایش از بحران اقتصادی و معیشتی گرفته تا بحران امنیتی دارد یا خیر، نیاز به ذکر چند نکته دارد. اولاً راهبرد امریکا تلاش برای ناامن‌سازی و ایجاد بی‌ثباتی با استفاده از ظرفیت گروه‌های تروریستی در افغانستان علیه خود مردم این کشور و همسایگان آن در راستای تحقق سیاست‌های خود است؛ این نکته‌ای است که جمهوری اسلامی ایران بارها به مقامات طالبان گوشزد کرده است. با توجه به این نکته، راه برون رفت از بحران‌های فعلی و تثبیت اوضاع تنها در گرو شکل دهی به نظام مشارکتی و فراگیر در کل خاک افغانستان است. برای اینکه بتوان با این بحران‌ها مقابله کرد، در جریان سفر و گفت‌وگویی که با مقامات طالبان داشتیم از موضع جمهوری اسلامی ایران بر این مسأله تأکید کردیم که اگر یک دولت و حکومت مشارکتی، ولو به‌صورت موقت شکل بگیرد، این حکومت موقت می‌تواند بستر مناسبی را برای ترسیم هرچه بهتر آینده نظام سیاسی افغانستان و تصویب قانون اساسی فراهم کند. این موضوعی بود که با مقامات طالبان در خصوص آن سخن گفتیم و الان هم تأکید می‌کنم افغانستان اگر می‌خواهد به سمت ثبات و به‌سمت مهار گروه‌های تروریستی حرکت کند، اگر می‌خواهد جلوی زیاده خواهی‌ها و دخالت امریکا در امور این کشور را بگیرد، راهی جز تشکیل دولت مردمی و فراگیر ندارد. البته من در جریان سفر و گفت‌وگویی که با مقامات طالبان در این خصوص داشتم شاهد واکنش و رویکرد مثبت آنها نسبت به این مسأله بودم؛ طالبان به این طریق است که می‌توانند بر مشکلات فعلی فائق آیند، اما اگر این اتفاق صورت نگیرد و تصور کنیم حکومت طالبان می‌تواند به تنهایی از پس مدیریت مشکلات و بحران‌های مختلف و متعدد افغانستان برآید، گفته چندان دقیقی نیست؛ چون حجم بحران‌ها و مشکلات افغانستان بسیار زیاد است.

■ برخی این گزاره تحلیلی را مطرح می‌کنند که به احتمال بسیار زیاد داعش خراسان عملاً به‌عنوان ماشین کشتار غیررسمی طالبان علیه قومیت‌ها، مخالفان و اقلیت‌های افغانستانی که در تضاد منافع و دیدگاه با این گروه (طالبان) هستند مورد استفاده قرار گیرد، ارزیابی و تحلیل شما در خصوص این گزاره مذکور با این دور هیافت مطرح شده چیست؟

من این گزاره را مردود می‌دانم. چون اگر می‌خواهیم تحلیل واقع‌بینانه‌ای از تحولات افغانستان داشته باشیم یقین بدانید از نظر کلامی، فکری و اعتقادی دو نحله متفاوت و متضاد بین طالبان و داعش وجود دارد. البته من سخنگوی طالبان نیستم، اما چیزی که من برداشت می‌کنم این است که طالبان مدعی حکومت یا امارت اسلامی بر مبنای شریعت فقه حنفی در افغانستان است، این فقه اسلامی و شریعت اهل تعامل، گفت‌وگو، مذاکره و مدارا با دیگر مذاهب است، اما داعش بویژه جریان تندروی آن، بینش و تفکری غیر از خود را از دایره اسلام خارج می‌داند. چرا که داعش تنها خود را حق و مبنای تعریف شریعت اسلام تلقی می‌کند و سایر مذاهب اسلام را متهم به نفاق و شرک می‌کند. بنابراین نگاه طالبان با داعش بسیار متفاوت است. یعنی اصلاً نمی‌توان نگاه طالبان را با داعش مقایسه کرد. البته در برخی جریان‌ها عناصر تندرویی وجود داشته باشد در آن شکی وجود ندارد و من هم منکر آن نیستم، اما ایدئولوژی و ساختار جریان طالبان متفاوت از ایدئولوژی داعش است. اما اینکه برخی تندروی‌ها در گذشته در طالبان هم وجود داشته است قابل انکار نیست. ولی در کل احتمال شکل‌گیری تفاهم و همکاری، ولو به‌صورت مخفی بین داعش و طالبان وجود ندارد و من آن را رد می‌کنم. مسأله دیگر این است که طالبان داعیه حکومت جهانی ندارد در حالی که داعش به‌دنبال ایجاد حکومت جهانی است.

■ در چند ماهی که از حاکمیت طالبان بر افغانستان می‌گذرد، شاهد برگزاری نشست‌های متعددی با نگاه‌های مختلفی بوده ایم. حال از منظر شما این میزان از تشتت و تضاد در نگاه‌های کشورهای همسایه و موازی کاری‌های دیپلماتیک منطقه‌ای می‌تواند به یک همکاری ملموس و مشترک در قبال تحولات افغانستان منجر شود؟

اشتراک نظری که بین همه کشورهای همسایه افغانستان و حتی کشورهای فراهمسایه مانند روسیه در خصوص تحولات افغانستان وجود دارد این است که تلاش جامع و مشترکی شکل بگیرد تا افغانستان بیش از این به‌سمت بی‌ثباتی و ناامنی پیش نرود. یعنی اکنون نقطه مشترک تمام کشورها این است که تلاش داشته باشند امنیت و ثبات پایدار به افغانستان بازگردد. این مسأله‌ای است که همه کشورهای همسایه افغانستان شامل روسیه، چین، جمهوری اسلامی ایران، پاکستان ، تاجیکستان، ازبکستان، هندوستان و... روی آن اشتراک نظر دارند. بله شاید تفاوت نظری در خصوص جزئیات آن وجود داشته باشد، اما کلیات آن مورد تأیید همه است. البته در این بین برخی از کشورهای آسیای مرکزی که همسایه افغانستان هستند نگران تحولات جاری در این کشورند که این نکته متأثر از تجربیات چندساله آنها از تحولات افغانستان است. چون برخی از گروه‌های داخلی افغانستان از نظر ملیت و هویت وابسته به کشورهای همسایه هستند. بنابراین کشورهای همسایه این تصور را دارند که با احیای حکومت طالبان احتمال کنار رفتن این اقوام وجود دارد که این نگرانی هم طبیعی است، اما نگاه قاطبه کشورهای همسایه این است که کمک جدی برای ایجاد صلح و امنیت پایدار در افغانستان شکل بگیرد. پیرو این نکته و در تحرکات دیپلماتیکی که داشتیم سعی شد صرفاً به مسائل امنیتی پرداخته نشود و همکاری‌های منطقه‌ای مشترکی در حوزه اقتصادی و تجاری هم شکل بگیرد. چون کمک صرف مردمی به افغانستان یک کمک مقطعی و موقت است، در حالیکه افغانستان باید بتواند روی پای خود بایستد. از این جهت اینکه شاهد چندصدایی در میان همسایگان افغانستان هستیم، درست است و نمی‌توان آن را کتمان کرد، اما با وجود این نگاه مشترک و قاطع همه همسایگان این است که کشورهای همسایه به افغانستان کمک کنند تا این کشور به سمت صلح و ثبات پایدار و پویایی و شکوفایی اقتصادی حرکت کند.

■ از نگاه حضرتعالی به‌عنوان دستیار و نماینده ویژه رئیس جمهور در امور افغانستان، جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند در امر شکوفایی اقتصادی افغانستان نقش آفرین باشد؟

واقعیت این است که امریکایی‌ها بیست سال افغانستان را در اشغال خود داشتند، رئیس‌جمهور امریکا عنوان می‌کرد که روزانه حدود ۳۰۰ میلیون دلار در افغانستان هزینه کردیم، اما آنچه که از افغانستان تحویل دادند یک افغانستان ویران شده است؛ افغانستانی است که امروز، هم در فضای امنیتی و هم در فضای اقتصادی در بحران‌ها و چالش‌های جدی به سر می‌برد. برای اینکه بدانیم امریکایی‌ها هر کجا را که اشغال کردند چگونه به ملت‌ها خیانت کردند، فقط کافی است که به یک آمار اشاره کنم. امریکا به‌مدت بیست سال ادعا می‌کرد برای خدمت به مردم افغانستان، مقابله با تروریسم و ایجاد امنیت وارد این کشور شده است و روزانه ۳۰۰ میلیون دلار هزینه کرده، اما امروز در حوزه انرژی میزان تولید برق این کشور ۳۰۰ مگاوات است. یعنی شما تصور کنید کشوری که تنها ۳۰۰ مگاوات برق تولید می‌کند آیا می‌تواند صنعتی داشته باشد؟ آیا در حوزه‌هایی مانند بهداشت می‌تواند کار چشمگیری انجام دهد؟ خب این افغانستانی است که به طور کامل در دست امریکایی‌ها بود. همانگونه که عنوان داشتم امروز که امریکایی‌ها از افغانستان خارج شدند باز به‌دنبال شرارت و جنگ‌های نیابتی هستند. راهبرد امریکا بر بی‌ثبات سازی، ناامن‌سازی و دخالت در امور این کشور علیه دیگر کشورهاست. با این فرض افغانستان روی ثبات و امنیت را نخواهد دید.

اما آنچه که مهم است اراده مردم افغانستان است. اراده مردم این کشور این است که کشور خود را بسازند و سازندگی کنند. در این فضایی که امروز شاهد موج جدید مهاجرت‌ها هستیم و در حال اوجگیری فضای ناامنی توسط گروه‌های تروریستی و جنگ‌های نیابتی هستیم راهبرد جمهوری اسلامی ایران یک راهبرد حمایتی از مردم افغانستان است. از این منظر آنچه که ما بتوانیم در کمک به صلح، ثبات، امنیت و بهبود شرایط زندگی مردم افغانستان انجام خواهیم داد.

عکس: مصطفی وهابی

متن کامل را در «ایران آنلاین» بخوانید